



نمادشناسی شخصیت امام حسین (ع) در شعر اَدونیس

پدیدآورده (ها) : محلاتی، حیدر

میان رشته ای :: پژوهش نامه معارف حسینی (آیت بوستان) :: بهار 1396 - شماره 5

از 41 تا 58

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1167313>

دانلود شده توسط : سیده مریم طباطبایی

تاریخ دانلود : 04/03/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



نمادشناسی شخصیت امام حسین علیه السلام در شعر آدونیس

دکتر حیدر محلاتی*

تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۳ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۶

چکیده

قیام امام حسین علیه السلام در سال ۶۱ هجری در برابر ستم و استبداد امویان بازتاب‌های فرازمانی و فرامکانی بسیاری در پی داشت. این قیام علاوه بر بُعد سیاسی و اجتماعی ابعاد فرهنگی و معنوی مهمی به ارمغان آورد. در حوزه فرهنگی و به ویژه در ادبیات عربی بی‌وقفه حضور مستمر و مداومی داشت، که ادامه این تأثیر در ادبیات امروز جهان عرب بسیار چشمگیر بود. آدونیس از شاعران معاصر عرب و نامزد مشهور جایزه نوبل، از جمله شاعرانی به شمار می‌آید که از قیام امام حسین علیه السلام بهره‌های فراوانی برده است. نکته مهم در این است که شاعری مانند آدونیس با افکار غربگرایانه، چگونه تحت تأثیر آموزه‌های والای نهضت امام حسین علیه السلام قرار گرفته، و اشعارش را سرشار از ابعاد و نمادهای شخصیتی آن امام همام نموده است. این مقاله سعی دارد نمادهای مرتبط با شخصیت بزرگ امام حسین علیه السلام را در اشعار آدونیس شناسایی، و معانی و مفاهیم آن را تبیین نماید. شعر امروز جهان بر اساس اسطوره و نماد می‌گردد، و معرفی نمادهای جدید که بار دینی و معنوی دارند بسیار مهم و ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: امام حسین علیه السلام، نهضت عاشورا، آدونیس، ادبیات معاصر عربی، ادبیات پایداری.

*. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم dr.mahallati@yahoo.com

مقدمه

علی احمد سعید معروف به آدونیس در سال ۱۹۳۰م در روستای «قصابین» از توابع شهر «طرسوس» از استان «اللاذقیه» سوریه چشم به جهان گشود. از سال ۱۹۳۵ تا سال ۱۹۴۴ در مدارس زادگاه خود یعنی «قصابین» به تحصیل مشغول شد، و سپس تحصیلات راهنمایی و متوسطه را در شهرهای «طرسوس» و «اللاذقیه» به پایان رساند. تحصیلات دانشگاهی خود را از سال ۱۹۴۹ با ورود به دانشگاه دمشق آغاز کرد و در سال ۱۹۵۱ در رشته فلسفه فارغ التحصیل شد (حمّود، ۱۹۹۷: ۴۵).

آدونیس در سال ۱۹۵۶ با خانم خالده سعید ناقد برجسته جهان عرب ازدواج کرد، و از ایشان صاحب دو فرزند شد. پس از ازدواج به لبنان مهاجرت کرد و در آن جا تابعیت لبنان را به دست آورد. در لبنان با یوسف الخال شاعر پرآوازه لبنانی آشنا شد و با همکاری ایشان در سال ۱۹۵۷ مجله «شعر» را منتشر کرد. این مجله به مدت مدیدی به عنوان پرچمدار نوگرایی و مدرنیسم در ادبیات معاصر عربی شناخته شده بود. آدونیس علاوه بر مجله «شعر» در انتشار و چاپ مجلاتی چون «مواقف»، «النهار»، «الکفاح العربی»، «الأدیب»، و «المحرر» نقش مهمی ایفا نمود. این نویسنده مبتکر و صاحب ذوق در کنار کار مطبوعاتی و فعالیت‌های رسانه‌ای به تدریس و تحصیل در دانشگاه همت گماشت، و در سال ۱۹۷۳ دکترای تخصصی خود را در زبان و ادبیات عربی از دانشگاه «سان ژوزف» بیروت دریافت کرد (کامبل، ۱۹۹۶: ۱، ۲۴۱-۲۴۵).

از آن جایی که آثار علمی و ادبی آدونیس از ایده‌های جدید و افکار نوگرایانه سرشار است، همواره در محافل علمی و فرهنگی جهان عرب جنجال برانگیز و پرهیاهو بوده است. وی در زمینه شعر و نقد تبخّر خاص دارد و آثار ایشان در این زمینه از مقبولیت و رواج قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. معروفترین آثار شعری و ادبی ایشان عبارتند از: «أغانی مهیار الدمشقی»، «المسرح والمرایا»، «كتاب الحصار»، «كتاب التحولات والهجرة فی أقالیم النهار واللیل»، «مقدمه للشعر العربی»، «زمن الشعر»، «الثابت والمتحول»، و «الصوفیه والسریالیه».

شهرت آدونیس بیشتر مرهون دید نوگرایانه‌اش در نقد میراث کهن و استخراج افکار نواز



متون قدیمی است. نگرش موشکافانه و تحلیل عمیق ایشان از رویدادهای تاریخی و درک جدید از داشته‌های دیرین که گاه با سنت‌گریزی و هنجارشکنی همراه بوده را از جمله ویژگی‌های نقد علمی آدونیس می‌توان شمرد. از دیگر برجستگی‌های ادبی آدونیس می‌توان به استفاده فراوان از نماد و اسطوره اشاره کرد، که معانی بسیار دقیقی را در آن به ودیعه گذاشته است. نمادهای فراوانی در اشعار آدونیس به چشم می‌خورند، که نمادهای دینی بخش قابل توجهی از آن‌هاست. از برجسته‌ترین این نمادها شخصیت بزرگ امام حسین علیه السلام است که حضور چشمگیری در شعر آدونیس دارد.

بررسی موضوع

استعمال رمز و نماد در آثار ادبی و به ویژه در شعر معاصر از شگردهای متعارف و رایج بیانی است که در دهه‌های اخیر کاربرد فراوانی یافته است. گویا نشأت این فن در اروپا بوده هر چند سابقه آن بسیار قدیمی است و ریشه در تاریخ دارد. تمایل شاعر به ارتباط غیر مستقیم با مخاطب از طریق رمز و نمادهای خاص که نشانگر احساسات عاطفی و واکنش‌های روحی و روانی سراینده است، منجر به درک عمیق مخاطب و تفکر و تأمل وافر ایشان در جزئیات شعراست (التونجی، ۱۹۹۹: ۱، ۴۸۸). فهم صحیح نماد و به کارگیری درست آن در شعر، توانمندی شاعر را در خلق آثار جاویدان می‌رساند. و این یکی از نقاط قوت آدونیس در سرایش شعر پر مغز رمزگونه است.

آدونیس، نمادها و رموز شعری خود را از اعماق تاریخ می‌جوید و از لایه‌های اسطوره‌های کهن، ویا از زبان روزمره مردم. رمز و نماد برای آدونیس به مثابه سرخ‌های اصلی برای رسیدن به معانی نو و افکار جدید است. البته آراستن معانی جدید به لباس رمز و اسطوره زیندگی و ماندگاری معانی را دوچندان می‌کند. آدونیس خود بر اهمیت این امر واقف بوده و به خوبی توانسته این ابزار را به بهترین وجه به کار گیرد. بی‌شک موفقیت آدونیس در استفاده از رمز و نماد مدیون شناخت عمیق وی از تاریخ، و شناسایی صحیح‌ترین، مؤثرترین و مردمی‌ترین نمادهاست.

از میان پر باورترین نمادهای انسانی که با سرشت مردم در آمیخته، نمادهای دینی

است. این نمادها که در اعتقادات و باورهای مردم، ثابت و لایتغیر هستند، بهترین ابزار پیام رسانی و مخاطب پروری می‌توانند باشند. آدونیس در اشعار و قصاید آتی بارها از نمادی مقدس و مردمی سخن به میان می‌آورد که در هر بار مفهوم و معنی خاصی از آن بر می‌گیرد. شخصیت معنوی و روحانی امام حسین علیه السلام در شعر آدونیس دارای معانی و مفاهیم گوناگونی است که در جایگاه خود در خور تأمل و دوراندیشی است.

پیش از بررسی و تحلیل یکایک الگوها و نمادهای شخصیت امام حسین علیه السلام در اشعار و سروده‌های آدونیس باید اشاره کنیم که تفکرات تجددخواهانه و غربگرایانه این شاعر مانع حضور معنوی و دینی امام حسین علیه السلام در شعر او نشد. یکی به خاطر این که امام حسین علیه السلام به عنوان یک الگوی والای انسانی که در تاریخ نقش ماندگاری ایفا نموده است، و این نقش نه تنها کم رنگ نشده بلکه روزبه روز پررنگ تر و درخشان تر می‌شود. و دیگری این که خود آدونیس گفته: در یک خانواده شیعی پرورش یافته و همواره درد فاجعه را احساس کرده است (نخبه من المؤلفین، ۲۰۰۴: ۳۴۸). بنا بر این، شناخت آدونیس از عمق و ابعاد فاجعه کربلا یک شناخت سطحی نبوده، بلکه یک شناخت ریشه‌ای و عمیق بوده است.

نمادهای برگرفته از شخصیت امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام چه در دوران حیات و چه در دوران پس از شهادت همواره الگومند و اثرگذار بوده است. اثر این الگوی بی نظیر امروزه و پس از گذشت سالیان دراز به قوت خود باقی است. آدونیس با کوله باری از تجربیات تاریخی و پشتوانه‌های فرهنگی، امام حسین علیه السلام را به عنوان سرچشمه الگوهای ارزشمند انسانی مد نظر داشته و از ایشان الگوها و نمادهای ذیل را استخراج نموده است:

۱. نماد مقاومت و پایداری

پس از شکست کشورهای عربی از اسرائیل در سال ۱۹۶۷، و تداوم این شکست‌ها که منجر به حمله اسرائیل به جنوب لبنان، و اشغال آن در دهه هشتاد و از دست دادن سرزمین وسیعی از کشورهای عربی شد، حالتی از سرخوردگی و ناامیدی در میان ملت

عرب و به ویژه در میان ملت مناطق اشغال شده در فلسطین، سوریه و لبنان پدیدار شد که تأثیرات منفی آن در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به ویژه در حوزه ادبیات کاملاً نمایان و مشهود گشت (الکیالی، ۱۹۸۶: ۴، ۵۸۱).

آدونیس و بسیاری از شاعرانی که شاهد این دوران تلخ بوده‌اند، به شدت تحت تأثیر این رویدادهای ناگوار و پیامدهای بسیار دردآور آن واقع شدند، و همواره به این فکر بودند تا الگویی بیابند که با کمترین امکانات موجود توانست در برابر عظیم‌ترین ارتش عصر خود ایستادگی کند و حماسه‌ای بی نظیر خلق کند. امام حسین علیه السلام این الگوی بی نظیر که با هفتاد و دو تن از یاران با وفایش توانست حماسه جاودانه عاشورا را خلق کند و تا ابد پرچمدار مقاومت و پایداری ماندگار خواهد ماند. آدونیس از این نماد منحصر به فرد در شعر پایداری خود به بهترین وجه بهره برده است.

نکته جالب توجه در این است که آدونیس در اشعاری که یاد از امام حسین علیه السلام می‌کند تماماً در دیوان «المسرح والمرایا» و «کتاب الحصار» قرار دارند، که دیوان اولی در سال ۱۹۶۸ و دیوان دومی در سال ۱۹۸۵ چاپ و منتشر کرده است، یعنی همان دوران اشغال و محنت و سرافکنندگی، دورانی که شاعر خواستار آزادی این مناطق از اسارت دشمن است.

آدونیس در شعری حماسی و اثرگذار تحت عنوان «أغنية إلی هو» ترانه‌ای برای او، که در «کتاب الحصار» چاپ کرده است، با آگاهی کامل از اوضاع مناطق شیعی نشین جنوب لبنان که توسط اسرائیل اشغال شده، به رزمندگان مسلمان و مقاوم این خطه چنین می‌گوید:

لم أقل يا أخی أنتَ میتٌ
قلْتُ تمضی، وتعرف ماذا سیأتی
وانتهت خطواتک، لکن ظلک ما زال
یمتدُّ طفل الیدین، تری أنتَ حیٌّ
وعیناک عینائی، والموت ما بیننا مرایا
واری ما رأیت، أترجم نفسی لنفسی
أترانا دمٌ واحدٌ ؟

نتقاسمُ خَبَرَ الفَجِيعةِ والحَبِّ خَبَرَ الحِياةِ

غريبين، مستضعفين

وَأنادى: أنا كربلاءُ الحنين،

وتصرخ: يا سيدي الحسين (أدونيس، ۱۹۹۶: ۱۷۴).

ای برادر من نمی گویم که تو مرده ای . گفتم: می گذری، و تو می دانی که چه می آید. به پایان راه رسیدی، اما سایه ات همواره، همچون دستان کودک معصومی، ترا زنده می بیند و چشمانت همان چشمان من است و مرگ بین ما آینه است. و من، آن چه را که تو دیده ای می بینم، حال خودم را باز می گویم. گویا هم خون هستیم؟ نان مصیبت، نان عشق و نان زندگی را قسمت می کنیم، همانند دو غریبه مستضعف. و من فریاد می زنم: من کربلای عشقم و تو فریاد می زنی: ای سرورم حسین.

أدونيس در این شعر مالا مال از احساس و عاطفه با استناد به این آیه شریفه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۶۹). شهیدان مقاومت لبنان را زنده می داند، آن ها همچون کودکان معصوم و بی گناه پرواز کردند و ناظر اعمال ما هستند. شاعر بر این باور است که شهیدان راه خدا در میان ما حضور دارند و بر اعمال و افعال ما نظاره می کنند و آن چه را که ما متحمل می شویم ازرنج و عذاب و یا عشق و دلدادگی با ما شریکند؛ چون هریک از ما عشق سرزمین کربلا را در سر می پرورانیم، و سید و سرورمان همان امام حسین علیه السلام است.

خداوند متعال در ادامه آیه فوق، شهیدان را این گونه توصیف می فرماید:

«فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ».
(آل عمران، آیه ۱۷۰، ۱۷۱)

أدونيس در شعر دیگری با عنوان «أغنية ثانياً إلى هو» حال و هوای شهیدان مقاومت را با استناد به این دو آیه شریفه، سراسر شادی و سرور توصیف می کند، و این گونه می سراید:

طَوْقُهُمْ بِأَهْدَابِهِمْ وَأَفَاؤُوا عَلَيْهِ
هُوَ فِهِمْ كَرُوحٍ تَرْفَرُ وَالْحَبِّ



كالعرش، والشمس مجمره في يديه
 وحواليه، تعلقوا ساطيرهم،
 كيف، اتي ومن ايين ادخل في ذلك الزحام
 وانا لست الا المحدث والراويه
 لست الا الصدى
 يترصد في بابہ النبوی، الصدى،
 واحتضار الكلام (أدونيس، ۱۹۹۶: ۱۸۱).

با میزگان چشمانشان گرد امام حسین آمدند، وبراوسایه افکندند. او همچون
 روحی عاشق وخورشید به دست در میان آن‌ها بال وپرمی زند. سرود شادیشان
 پیرامون او بلند است. چگونه می‌توانم وارد این شور وازدحام بشوم. هرگز، چون من
 تنها یک محدث وروایت‌گرم. فقط انعکاس آن صدا را می‌رسانم. این منم که در
 درگاه خاندان نبوت می‌ایستم وجانبازی کلمات را نظاره می‌کنم.

أدونيس در این دو شعر با پیروی از آیات قرآنی و اعتقادات اسلامی و با تصویرسازی
 هنرمندانه و شاعرانه، شهیدان راه مقاومت لبنان را امتداد شهیدان راه کربلا دانسته؛ چون
 جان باختگان طف علی‌رغم تعداد کم و جنگ افزار اندک بزرگ‌ترین حماسه تاریخ را رقم
 زدند و در سراسر تاریخ به عنوان نماد مقاومت و پایداری شناخته و ماندگار شدند. و شاعر
 با الگوبرداری از رهبر و سرور این شهیدان یعنی امام حسین عليه السلام، دیگر رزمندگان مقاوم
 لبنان را به ادامه این راه تا پیروزی کامل فرا می‌خواند.

امروزه ما شاهد این رویداد عظیم هستیم که رزمندگان مقاوم لبنان علی‌رغم تعداد کم و
 سلاح اندک توانستند با استعانت از نیروی ایمان و تحمل انواع فشارهای داخلی و
 خارجی، اشغالگران صهیونیستی را مجهز به پیشرفته‌ترین سلاح‌های جهان بوده، از
 سرزمینشان برانند، و جنوب لبنان را از یوغ اسرائیل برهانند. بی‌شک مقاومت و پایداری
 دلاور مردان حزب الله در برابر قدرت‌های شیطانی نشأت گرفته و الهام یافته از مقاومت و
 پایداری سرور آزادگان جهان امام حسین عليه السلام است.

در این جا ذکر این نکته ضروری و لازم به نظر می‌رسد که بسیاری از ادیبان و شاعران
 جهان عرب علی‌رغم گرایش‌های متفاوت قومی، دینی و مذهبی همانند أدونيس از امام

حسین علیه السلام به عنوان نماد مقاومت و پایداری یاد کردند، و ایشان را الگوی استواری در برابر ظلم و ستم دانستند. از جمله مردمی ترین و نام آورترین این شاعران نزارقبانی (۱۹۲۳ - ۱۹۹۸ م) شاعر توانمند سوری است. وی در قصیده ای بسیار معروف با عنوان «السمفونیه الجنوبیه الخامسة» سرزمین مقاوم جنوب لبنان را سرزمینی سرزنده، شهید پرور و انقلابی دانسته که از آن پیامبران و آزاد مردان می رویند:

سمیتک الجنوب

یا لابساً عباءة الحسين

وشمس كربلاء

یا شجر الورد الذی یحترف الفداء

یا ثورة الأرض التقت بثورة السماء

یا جسداً یطلع من ترابه

قمحاً... وأنبیاء

إسمح لنا...

بأن نبوس السیف فی یدیک... (قبانی، ۱۹۹۹: ۶، ۶۰، ۶۱).

تورا جنوب نامیدم. ای کسی که عبای امام حسین را برتن کردی و خورشید کربلا را. ای گلستان فداکاری، ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان در آمیخته، ای سرزمینی که از خاکش گندم می روید و پیامبران مبعوث می شوند. بگذار شمشیری را که در دستان توست، ببوسیم.

۲. نماد بصیرت و آگاهی

یکی از دست آوردهای مهم قیام امام حسین علیه السلام دمیدن روح بصیرت و خود آگاهی میان مردم بود. البته جذب این بصیرت و بینش و دریافت این شعاع نورانی نیاز به ظرفیت پاک و بی آرایش فرد دارد. چه بسا عالمان کم ظرفیت و مدعیان دانش چشم از حقیقت ببوشند، و در مقابل، افراد ساده کم بضاعت این ظرفیت را داشتند تا نور حقیقت را با چشم دل ببینند، و دستگارشوند.

آدونیس با نقل یک ماجرای تاریخی که پس از شهادت امام حسین علیه السلام اتفاق افتاد، این بینش را به زیبایی به تصویر می کشد. وی در شعری با عنوان «مرآة الرأس» از سر مبارک

امام حسین علیه السلام آینه ای تجسم می‌کند که به انسانها حقیقت وجودیشان را منعکس می‌کند. و از نظر آدونیس، رستگار کسی است که این حقیقت را ببیند و عبرت گیرد. قصیده «مرآة الرأس» داستان آوردن سر امام حسین علیه السلام توسط «خولی» نزد همسرش «نوار» و ماجراهای پس از آن:

- سائرته، رصدته

غلغلتُ فی جفونه

أیقظتُ کلَّ شهوتی هجمت واحتزته...

وجئتُ.

كانت زوجتی نوار

تفتح باب الدار:

- أوحشتنی، أطلت، کیف؟

- أبشری،

جئتک بالدهر، بمال الدهر

- من أين، کیف، أين؟

- برأسه...

- الحسین؟

ویلکَ یوم الحشر

ویلکَ لن یجمعنی طریقاً أو حلم أونوم

إلیکَ بعد الیوم...

وهاجرت نوار (آدونیس، ۱۹۸۸: ۸۲).

دنبالش کردم، در کمینش نشستم، به چشمانش خیره شدم، تمام شهوتهای نفسانی ام را بیدار کردم، حمله کردم، و سرش را بریدم، و آمدم. همسر نوار در خانه را باز کرد و گفت: دلواپست شدم، دیر کردی، چه شده؟ گفتم: مزده بده، تمام دنیا را آوردم، مال دنیا را. گفت: از کجا، چگونه، کجاست؟ گفتم: سرش را آوردم... گفت: سر حسین را؟ وای بر تو، در روز جزا. وای بر تو، هرگز همراه تو نخواهم بود، نه در خواب و نه در رؤیا. از من دور شو... و نوار رفت.

این روایت توسط ابو مخنف ازدی متوفای سال ۱۵۷ هجری در کتاب ارزشمندش

«مقتل الحسین علیه السلام» به تفصیل نقل شده است، و بسیاری از کتب تاریخی معتبر نظیر تاریخ طبری، تاریخ ابن اثیر و تاریخ ابن کثیر این داستان را به همین شکلی که ابومخنف نقل کرده، آورده‌اند. داستان از این قرار است: روزی خولی بن یزید مصبحی که سر مبارک امام حسین علیه السلام را در اختیار داشت، به خانه‌اش رفت و با همسرش نوار بنت مالک بن عقرب حضرمی روبه‌رو شد. نوار از او می‌پرسد: این چیست در دستانت توست؟ خولی پاسخ می‌گوید: گنجینه روزگار... سر حسین است. نوار با عصبانیت داد می‌زند: وای بر تو، مردم طلا و نقره می‌آورند و تو سر فرزند رسول الله را می‌آوری؟! به خداوندی خدا سوگند هرگز با تو سر بر بالین نخواهم گذاشت. و سپس بلند شد و از خانه خارج شد. نوار می‌گوید: از خانه خارج شدم و سپس نشستم بینم. به خدا سوگند نوری دیدم مانند یک ستون از آسمان به طرف جایگاه سر امام حسین علیه السلام می‌درخشید و در اطراف آن پرندگانی سفید می‌چرخیدند (ابومخنف، بی تا: ۲۰۲).

آن چه از این داستان و قراءت تاریخی آدونیس از این حکایت بر می‌آید، نکته عبرت آموز پایان داستان است. تفاوت خولی که از مقریین دربار و به ظاهر مورد اعتماد امویان بود، و بین همسرش نوار که دلی پاک و ساده داشت. خولی علی‌رغم شناخت جایگاه و مقام امام حسین علیه السلام دست به چنین عمل وحشیانه زد، و در مقابل، همسرش با تمام وجود از این عمل ابراز انزجار و تنفر نمود، همسرش را نفرین کرد و فرار را بر قرار ترجیح داد. چون او نیک می‌دانست که سرنوشت قاتلان امام حسین علیه السلام تباه و نابودی خواهد بود. به هر حال خولی چشم بصیرت نداشت و کوردل بود، بر خلاف همسرش نوار که بسیار بینا و با بصیرت بود.

این داستان یادآور یک حقیقت قرآنی است، که خداوند متعال درباره آن می‌فرماید:

﴿فَاتَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾ (سوره حج، آیه ۴۶)

کوری واقعی همان کوری دل است نه کوری چشم.

وباز حضرت حق می‌فرماید:

﴿وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾ (سوره اِسرَاء، آیه ۷۲).

و تاریخ مآمال از نمونه‌های شاخص در کوردلی و بینادلی است که نمونه بارزو مصداق گویای این دو، فرعون و همسراوست. بی شک سرنوشت هر کدام از این دو درس عبرتی است برای تمامی نسل‌ها.

۳. نماد ایثار و جاودانگی

صحنه‌های تراژدیک واقعه‌ی طف لبریز از تصاویر دردآور و غیر قابل تحمل است. برای تصویرسازی این واقعه و به ویژه طرز به شهادت رساندن امام حسین علیه السلام، جانی دردمند و قلبی آکنده از غصه و اندوه لازم است. امام حسین علیه السلام تمام وجود خود را در راه خدا ایثار کرد، و جایی در بدنش نمانده بود که از گزند و آسیب ایمن باشد. آدونیس در قصیده‌ای با عنوان «مرآة الشاهد» جزئیات حزن آگین شهادت امام حسین علیه السلام را این گونه توصیف و ترسیم می‌کند:

و حينما اسقرت الرماح في حشاشة الحسين

وازينت بجسد الحسين

وداست الخيول كل نقطة

في جسد الحسين

واستلبت وقسمت ملابس الحسين

رايت كل حجر يحنو على الحسين

رايت كل زهرة تنام عند كتف الحسين

رايت كل نهر

يسير في جنازة الحسين (آدونیس، ۱۹۸۸: ۸۴).

و هنگامی که نیزه‌ها بر جان حسین نشستند، و با پیکرش آراسته شدند. و اسب‌ها جای جای بدن امام را پایمال کردند. و جامه‌های امام به تاراج رفتند و تقسیم شدند. دیدی هر سنگ بروی نالید، و هر گلی در کنار شانه‌ی امام آرמיד، و هر نهری در پی حسین دوید.

اصرار شاعر بر تصویر این جزئیات جانکاه بیشتر در جهت ابراز عمق اندوه وی در برابر این مصیبت عظمی است، مصیبتی که احساسات شاعر را بر آشفت و دل او را به درد آورد. هفت بار تکرار نام امام حسین علیه السلام در یک قطعه شعری کوتاه نشان از اهمیت این

جزئیات است. شاعر عمداً خواهان تبیین این واقعیت تلخ است که امام حسین علیه السلام نه تنها ما یملك مادی خود را تقدیم کرد، بلکه یاران، فرزندان و جان خود را کاملاً در راه خدا ایثار کرد. و این جاست که شاعر این ترکیبات اضافی را به صورت آهنگین تکرار می‌کند: «حشاشة الحسین»، «جسد الحسین»، «ملابس الحسین»، «کتف الحسین»، «جنازة الحسین».

«هنری میثونیک» ناقد و شاعر فرانسوی در مقاله‌ای با عنوان «مشرق شعر» در نقد این شعر آدونیس می‌گوید:

آدونیس با ذکر واژه‌هایی که مشرب شرقی دارند و در تاریخ و فرهنگ شرق ریشه دوانده‌اند، مانند نام حسین در شعر فوق، بر بُعد شرقی بودن این میراث صحنه می‌گذارد، گویی می‌خواهد شعر شرقی جدیدی را به ما عرضه کند (نخبه من المؤلفین، ۲۰۰۴: ۵۰).

شاید منظور این ناقد فرانسوی از شعر شرقی جدید همان شعر عرفانی مشرق زمین که با واژه‌های مقدس آراسته شده است.

آدونیس، پیام اصلی خود را در پایان این قطعه شعری در سه نماد: حَجَر (سنگ)، زهره (گُل)، و نَهر (رود) می‌گنجاند. (سنگ) که نشان از سختی، قسوت و سنگدلی است، در برابر مصیبت بزرگ امام حسین علیه السلام نرم می‌شود و می‌گرید. (گُل) به عنوان نماد لطافت و زیبایی در کنار شانه‌ی امام حسین علیه السلام قرار می‌گیرد و می‌آرامد و سرانجام (رود) که نشان دهنده سرنوشت و جریان تاریخ است، نام امام حسین علیه السلام را برای همیشه جاودانه و ماندگار ساخته است. بنا بر این، امام حسین علیه السلام با نهضت بزرگ و قیام اصلاح‌گرایانه خود و ایثار تمام هستی خود توانست در طول تاریخ جاودانه شود، و الگویی برای ایثار و جاودانگی باشد.

۴. نماد بیداری و آزادگی

بیداری مردم یکی از اهداف امامان مصلح ماست. در هر زمانی که بوق‌های تبلیغاتی دشمنان دین، گوش مردم را از نفاق و فریب پر می‌کنند، و حقایق ناب دین را با دروغ و

خرافه درمی آمیزند، این امام راهنماست که مردم را به سوی حقایق راستین دین هدایت می‌کند. امام حسین علیه السلام در برابر سیاست گمراه کننده امویان موضع بسیار سخت‌گیرانه‌ای را اتخاذ کرد و در این راه تمام وجود مبارکش را تقدیم نمود. البته امام با این ایثارگری جانانه، امویان منحرف را برای همیشه تاریخ رسوا کرده و دین مبین اسلام را از کجروی‌ها و انحرافات عامدانه اموی‌ها نجات داده است.

امام حسین علیه السلام هدف عمده قیام خود را در برابر فساد اموی، اصلاح در امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امر به معروف و نهی از منکر دانسته و نه برای منافع شخصی و یا طلب ریاست و جاه‌طلبی. ایشان می‌فرمایند:

أني لم أخرج أشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً، وإنما خرجت لطلب الإصلاح في أمة
جدي صلی الله علیه و آله، أريد أن آمر بالمعروف وأنهى عن المنكر. (علامه مجلسی، ۱۹۸۳: ۴۴، ۳۲۹)

این هدف بزرگ امام از برای روشن‌گری مردم، و بیداری آن‌ها از خواب غفلتی که در آن به سر می‌بردند، بوده است. نشانه‌های این بیداری در انقلاب‌های بی‌شمار پس از قیام امام حسین علیه السلام کاملاً مشهود است.

آدونیس، این پیام مهم امام را به نیکی دریافته، و آن را ادامه دهنده پیام‌های اصلاحی انسان‌های بزرگ تاریخ دانسته، که تمام وجودشان را برای این منظور فدا کردند. آدونیس در قصیده «السماء الثامنة» آسمان هشتم، می‌گوید:

سمعت صوت الزمن... السقوط

نحوى في الولادة

والنهر الممدود كالوساده

من شفق سقراط حتى جثة الحسين (آدونیس، ۱۹۸۸: ۱۴۴).

از دیرباز (پیام حقیقت‌جویی را) شنیده‌ام... از زمان به دنیا آمدن، این جریان تاریخی را (مانند رودی در حرکت) شنیده‌ام. از زمان کشته شدن سقراط حکیم تا شهادت امام حسین علیه السلام.

آدونیس در این شعر از سقراط حکیم نام می‌برد، اندیشمندی که در برابر خرافه و بت‌پرستی یونانیان مقابله کرد، و آن را خلاف عقل و منطق دانست و بر سر عقیده خود

ایستادگی کرد، تا این که پادشاه وقت برای تأمین منافع خود، او را به زندان انداخت، و سر انجام جام شوکران را به او نوشتاند (ابن اَبی اصیبعه، ۱۹۶۵: ۷۰). اما صدای عدالت خواهانه و حقیقت جوینه ایشان برای همیشه تاریخ جاودانه ماند، و راه و رسم ایشان برای نسل های آینده سرمشق و الگو قرار گرفت.

صدای بیدارگرانه و آزادمنشانه امام حسین علیه السلام به قول آدونیس در طول تاریخ همچون رودی در جریان و توقف ناپذیر است. و حقیقت جویی یک جریان تاریخی است از زمان سقراط تا زمان امام حسین علیه السلام که با گذر زمان هرگز متوقف نشده، بلکه روز به روز خروشان تر و متلاطم تر شده است.

امام حسین علیه السلام با قیام خود روح ظلم ستیزی و آزادی را در کالبد مردم دمید، مردمی که از ترس پنجه آهنین حاکم ظالم در وحشت و هراس بودند و بسیاری از آن ها به خاطر منافع نا چیز دنیوی، انسانیت و دین خود را فروختند، و زندگی رقت بار پر ذلت را ترجیح دادند. امام حسین علیه السلام در اوج نبرد با این مردمان کوتاه بین بی دین، این هشدار حکیمانه را می دهد که:

إن لم یکن لکم دین فکونوا أحراراً فی الدنیا؛ (أبو الفرج اصفهانی، ۱۹۶۵: ۷۹)
چنان که دین ندارید، لا اقل در دنیا آزاد مرد باشید.

این کلمات بیدارگرایانه و آزادی خواهانه امام اثر بسیار عمیق و شگرفی در درون شاعر نهاده است؛ چون این کلمات آتشین و احساس برانگیز می توانند درونمایه بسیار خوبی برای هر نهضت آزادی خواهانه باشد. و آدونیس خواهان حضور این کلمات اثرگذار و مهم در پیام شاعران و ادیبان هم عصر خود بوده است. این حس شاعرانه در بسیاری از اشعار آدونیس کاملاً ملموس است.

تاریخ نگاران که شاهد و ناظر جریان واقعه طف بودند و جزئیات آن را از نزدیک مشاهده کردند، تنها به نگارش این رویداد حزن انگیز بسنده کرده، و از ذکر پیام های مهم آن غافل ماندند. اما آدونیس در شعر «کلمات» خواهان کاوش عمیق و نگرش مجدد تاریخ شده، تا روحی تازه به کالبد بی جان تاریخ دمیده شود. همین رویکرد نقادانه شاعر منشأ کشف و ابتکار معانی جدیدی شده و مفاهیم قابل تأمل و درخور توجه وارد شعر عربی

معاصر نموده است:

کلمات شهدت جُتَّة الحسين
وهی تبکی و تجری مع الرافدین
مُتُّ فی حضمتها وعشتُ

وطهرتُ شرابیها ونبشتُ (أدونیس، ۱۹۸۸: ۱۸).

واژه‌ها شاهد شهادت امام حسین بودند، می‌گریستند و با رود رافدین حرکت می‌کردند. من در درون این واژه‌ها مرده شدم و زنده شدم، رگهایش را شستم و از نو بازیابی کردم.

أدونیس بر نقش بیدارگرانه امام حسین علیه السلام واقف بود، و از این نظر، خواهان ابراز این بُعد مهم شخصیت امام به عنوان رمزبیداری و آزادگی در جامعه شده است. اکیداً وجود چنین شخصیت بزرگی با این ابعاد معنوی و الا برای هدایت جامعه بسیار ضروری و مهم خواهد بود. این امر خطیر از ره گذر شعر حماسی و شورانگیز به مردم قابل انتقال است.

۵. نماد عبرت و درس آموزی

شهادت امام حسین علیه السلام و یاران با وفیش در طول تاریخ برای مردم درس آموز بود، درسی پرازپند و عبرت. کسانی که صدای نصرت طلبی و عدالت خواهی امام را شنیده‌اند و به یاری او نشتافته‌اند، بسیار نادم و پشیمان و از کرده خود دلخور شده‌اند. این پشیمانی و سرخوردگی پس از شهادت امام حسین علیه السلام به اشکال مختلف و در ابعاد گوناگون نمایان شده است.

به همین خاطر قیام امام حسین علیه السلام با توجه به پیام‌ها، پیامدها، تغییرات و تأثیرات عمیقی که بر جامعه نهاده، قیامی سراسر درس و اندرز دانسته شده و شعله فروزان آن در فراسوی زمان همواره روشن و خاموشی ناپذیر خواهد بود.

أدونیس در شعری حزن‌انگیز با عنوان «مرآة لمسجد الحسین»، مقام امام حسین علیه السلام را آینه عبرت و درس آموزی دانسته و این آینه باید در برابر کسانی که از تاریخ پند و اندرز نگرفته‌اند، قرار بگیرد، تا خطای گذشتگان را تکرار نکنند.

أدونیس در این شعر می‌گوید:

ألا ترى الأشجار وهي تمشي
 حدباء،
 في سُكْرِ وفي أناة
 كي تشهد الصلاة
 ألا ترى سيفاً بغير غمدٍ
 يبيكي،
 وسيفاً بلا يدين
 يطوف حول مسجد الحسين (همان: ۸۵).

آیا درختان را نمی بینی، خمیده و مدهوش به حرکت درآمده تا نماز را برپیکر امام حسین بخوانند. آیا آن شمشیر عریان را نمی بینی که گریه می کند و آیا آن جلاد را نمی بینی، بی دست گرد مقام امام حسین طواف می کند.

در این جا آدونیس از درختان به عنوان رمز پایداری، استواری و راست قامتی یاد می کند که چگونه از شنیدن خبر هولناک شهادت امام حسین علیه السلام، خمیده و از خود بی خود شدند، و خاضعانه و خاشعانه بر امام شهید نماز می خوانند. و مگر درخت نماز می خواند! البته که می خواند، و این نص صریح قرآن مجید است که می فرماید:

﴿والنجم والشجر يسجدان﴾ (سوره الرحمن، آیه ۶).

خداوند متعال در مورد نماز و عبادت تمامی موجودات دو عالم این گونه می فرماید:

﴿تَسْبُحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ﴾ (سوره اِسرَاء، آیه ۴۴).

آدونیس در این شعر با بیان این که حتی شمشیر که اراده ای از خود ندارد، از کرده خودش پشیمان و گریان است، و جلاد را نفرین کرده، و به همین خاطر، این جلاد دستانش را از دست داده، و او نیز پشیمان شده، و گرداگرد ضریح امام حسین علیه السلام طواف می کند، به امید عفو و بخشش.

آدونیس با این نشانه های دقیق و اوصاف بسیار ظریف در پی اخذ این پیام از شهادت امام حسین علیه السلام است که انسان ها باید از تاریخ عبرت گیرند، و دست از حق کشی و



پایمالی حقوق دیگران بردارند؛ زیرا ظلم و ستم فرجام نیکی نخواهد داشت.

نتیجه گیری

شهادت امام حسین علیه السلام لبریز از درس و اندرزا است و هرکس به اندازه فهم و شعور خود از این شهادت بی نظیر توشه برمی دارد. آدونیس با احساس شاعرانه خود، واقعه کربلا را به گونه ای دیگر تجسم کرده، و از آن واقعه عظیم پندها و درسها آموخته است. امام حسین علیه السلام برای آدونیس سمبل و نماد بسیاری از ایده ها و آرمان های بلند اخلاقی و انسانی است که بسیاری از آن ها هنوز تحقق نیافته اند. از نظر آدونیس، امام حسین علیه السلام با شهادت خود، تمامی آزادمردان عالم را به سوی این آرمان های مقدس فرا خوانده، تا پرچم عدالت خواهی و ظلم ستیزی همواره برافراشته باشد.

آن چه از این پژوهش دریافتیم این است که آدونیس سعی داشته شخصیت امام حسین علیه السلام را از زوایای مختلف بررسی و تحلیل کرده، و از آن، نمادهایی آرمانی و انسانی برای نسل خود و نسل های بعد از خود، بسازد و معرفی نماید.

از اشعار حسینی آدونیس معانی فراوانی می توان دریافت، اما عمده ترین معانی و نمادهای برآمده از این اشعار متعهد می توان به نمادهای اصلی این مقاله اشاره کرد که عبارتند از: مقاومت و پایداری، بصیرت و آگاهی، ایثار و جاودانگی، بیداری و آزادگی، و عبرت و درس آموزی.

منابع

- ابن أبى اصيبعه، احمد. (١٩٦٥م). *عيون الأنباء فى طبقات الأطباء*. تحقيق دكتور نزار رضا. بيروت: دار مكتبة الحياه.
- أبو الفرج اصفهاني، على. (١٩٦٥م). *مقاتل الطالبين*. النجف: المكتبة الحيدريه.
- أبو مخنف أزدي، لوط. (بى تا). *مقتل الحسين عليه السلام*. قم: المطبعه العلميه.
- أدونيس، على. (١٩٩٦م). *كتاب الحصار*. چاپ دوم. بيروت: منشورات دار الآداب.
- أدونيس، على. (١٩٨٨م). *المسرح والمرآيا*. بيروت: منشورات دار الآداب.
- التونجى، محمد. (١٩٩٩م). *المعجم المفصل فى الأدب*. بيروت: دار الكتب العلميه.
- حمّود، ماجده. (١٩٩٧م). *علاقه النقد بالإبداع الأدبى*. دمشق: منشورات وزاره الثقافه.
- علامه مجلسى، محمد باقر. (١٩٨٣م). *بحار الأنوار*. چاپ دوم. بيروت: مؤسسه الوفاء.
- قبانى، نزار. (١٩٩٩م). *الأعمال السياسيه الكامله*. چاپ دوم. بيروت: منشورات نزار قبانى.
- كامبل، روبرت. (١٩٩٦م). *أعلام الأدب العربى المعاصر*. چاپ اول. بيروت: الشركه المتحده للتوزيع.
- الكيالى، عبد الوهاب. (١٩٨٦م). *موسوعه السياسه*. بيروت: المؤسسه العربيه للدراسات والنشر.
- نخبه من المؤلفين. (٢٠٠٤م). *الضوء المشرقى، أدونيس كما يراه مفكرون وشعراء عالميون*. تقديم ادوارد سعيد. چاپ اول. دمشق: نشر بدايات.

